

متن پرسش

سلام و عرض ارادت، مطلبی در مورد آفات عزاداریها هست که می خواستم نظرتون رو درباره این مطلب و اساسا کم یا زیاد بودن خطرش جویا بشم: «البته به قول دوستان، ما فنی خوانده ها نباید خیلی در این مسائل دخالت کنیم، ولی مساله ای که سالهاست بشدت آزارم می دهد، نفوذ عالم اومانیستی و خودبنیادی غربی در اشعار آئینی و مذهبی و عاشورایی ماست. همین جا بگویم که آنهایی که نگران آهنگ نامناسب و ریتمیک شدن مداحی ها هستند، اتفاقا ریشه را باید در همین رخنه فرهنگ اومانیستی پیدا کنند. چه آنکه وقتی فرهنگی آمد، لوازمش را نیز با خود خواهد آورد؛ شعری که با نظر به نفس و انانیت انسان سروده می شود، مسلما باید با آهنگ های غربی و به قول بعضی ها لس آنجلسی خوانده شود و این، غیر از آهنگ و نوای اشعاری است که با نظر به حقایق ثابت جهان و از ملکوت عالم در گوش شاعر زمزمه و بر زبان او جاری می شود. این را گفتم، برای آن عده ای که فکر می کنند مشکل ما، ضعف آهنگ سازی و نبود آهنگ سازان حرفه ای در کنار مداحان است و غافلند که ریشه این معضلات را باید در مشکلاتی بس عمیق تر از آن دید. و اما آنچه در ابتدا ذکر شد: شعرهای اومانیستی! یک مقایسه بسیار ابتدایی و ساده بین اشعار مداحان قدیمی با اشعاری که در حال حاضر بر زبان مداحان ما جاری است، ما را به نقطه هولناکی می رساند؛ جای دو چیز عوض شده: «حسین» و «من» یعنی چه؟ در اشعار قدما دقت کنید!، «حسین» محور است و دیگر مفاهیم حول وجود او به طواف مشغول اند، گاهی از مظلومیت «حسین» می گویند، گاهی از مصائب «حسین» می خوانند، در پاره ای از بیت ها کرامت و عطوفت «حسین» به میدان می آید، شجاعت «حسین» بار حماسه اشعار را به عهده می گیرد، و در اوقاتی ذکر ولایت «حسین» می شود و آرزوی ورود در جرگه شیعیان او خلاصه اینکه «حسین» یا تو بگو «الله» نقطه کانونی و خورشید نورافشان است و دیگران هویت و نورانیت خود را در گردش به دور این کانون جستجو می کنند. و اما کمی به اشعار حال حاضر دقت کنید تا به نقطه هولناک ذکر شده برسید؛ جابجایی «حسین» با «من»! در مداحی های امروز، آنچه در مرکز قرار گرفته و اساسا موضوعیت دارد «من» است. گاهی از عشق و دیوانگی و جنون «من» می خوانند، گاهی از دلتنگی «من» برای زیارت کربلا و دیگر عتبات می گویند، گاهی این «من» هوس می کند که در کنار فلان ضریح یا در فلان مجلس بمیرد، جناب «من» برای بعد از مرگش هم به فکر است که «حسین» در خدمتش قرار گیرد و او را از احوالات هولناک محاسبه و مجازات نجات دهد... . خلاصه اینکه «حسین» و همه حضرات معصومین و یاران و فرزندان «حسین»، همه باید دور کانون «من» بگردند و جنون و مرگ و بعد از مرگ و سیر و سیاحت «من» را تامین کنند یا به قول آقایان،

حال «من» را خوب کنند. نمی‌خواهم حال حضورتان در روزه‌ها را خراب کنم، ولی کمی به وضعیت غالب مداحی‌ها امروزه دقت کنید، آیا غیر از همین هاست که در بالا ذکر شد؟! این سینه‌ها به نام «حسین» زده می‌شود و به کام «من» و در آخر باز هم می‌گوییم، علمای اسلام به داد اسلام برسید! ما هرچه داریم از محرم و صفر است، نگذارید هرچه داریم را از ما بگیرند! شاید بگویید که این فرهنگ اومانیستی در همه ابعاد زندگی و مولفه‌های آن نفوذ کرده که جلسات عزاداری اباعبدالله علیه السلام هم جزئی از آن است، ولی کمک کنید که تطهیر فرهنگ مان از نفسانیت و رجوع به «الله محوری» از جلسات «حسین» شروع شود که «حسین و قیام حسین، الی الابد نقطه اصلاح جوامعی است که از «الله» به انحراف کشیده شده اند»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور که متوجه‌اید بعضاً در مداحی‌های ما، مداح‌ها از فنایی که باید در محضر حسین «علیه‌السلام» داشته باشند تا نور حسین «علیه‌السلام» بر جانشان تجلی کند غافل‌اند و باید حساب آن‌ها را از شعرای آئینی که حقیقتاً میهمان حسین «علیه‌السلام»‌اند و از حسین «علیه‌السلام» می‌گویند، جدا کرد. موفق باشید (مداحی با کدام محور؟)